

نام و نام خانوادگی : کلاس / پایه : یازدهم رشته : انسانی نام درس : ادبیات فارسی ۲
تاریخ : ۱۴۰۱/۱۰/۱۵ مدت امتحان : ۸۰ دقیقه نوبت : صبح ساعت شروع : ۸:۰۰ تعداد صفحه : ۳

ردیف	سوالات	بارم
۱	معنی واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) زرخدان فرو برد چندی به جیب ب) پس به کران آب فرو برد آمدند و خیمه ها و شرع ها زده بودند. ج) شور جنگ و دفاع در دل ها تنوره میکشید. د) اگر به طوع و رغبت نیامد، به اکراه و به اجبار برگیر.	۱/۵
۲	غلط های املایی را بیابید و آنها را تصحیح کنید. الف) عزیزترین رفقای من که حُسن سیرت را با سباحث توام داشت، لبخندی زد و گفت: بالجمله هرکس آرمان خود را بیان کند. ب) جلال الدین، قونیه باز آمد و همه روزه به شیوه پدر، در مدرسه، به درس علوم دینی و ارشاد میپرداخت و طالبان علوم شریعت در محضر او بودند. ج) یک قبضه خاک از روی زمین برگرفت و بیآورد. آن خاک را میان مکه و تائف، فرو کرد. د) بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه و هیچ مستهق شناسم در بست.	۱
۳	املای درست را انتخاب کنید. (زیر املای درست خط بکشید) الف) هزار هزار درم به (غزنین - قزنین) فرستاد. ب) و اندک مایه (ظیعتی - ضیعتی) دارند.	۰/۵
۴	نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) زرخدان فرو برد چندی به جیب ب) کرد فراموش ره و رفتار خویش ج) گرت ز دست بر آید، چو نخل باش کریم د) پدر جلال الدین، محمد بن حسین خطیبی، معروف به بهاء الدین وکد از دانشمندان روزگار خود بود.	۱
۵	رابطه معنایی واژگان زیر را بنویسید. الف) حیوان ، عقاب ب) فوتبال ، والیبال	۰/۵
۶	جمله زیر را مجهول کنید. - باد درخت را انداخته بود.	۰/۷۵
۷	نقش های تبعی را بیابید زیر آن ها خط بکشید و اسم هر نقش تبعی را بنویسید. - ابوطالب، بزرگ سرزمین بطحا، در برابر سختی ها از او دفاع کرد. - که اشارات نظر نامه رسان من و توست. - باد و باران چهره درختان را زیباتر کرده بود.	۰/۷۵
۸	ترکیب های اضافی و وصفی را بیابید. - در آن دریای خون در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می گشت	۰/۵

۰/۵	<p>در کدام عبارت زیر شاخص وجود دارد.</p> <p>الف) شاگرد من، مهندس توانمندی شد.</p> <p>ب) نقشه ای که مهندس کشید، خیلی دقیق بود.</p> <p>ج) محمدمعین، استاد زبان و ادبیات فارسی است.</p> <p>د) سلطان محمد آخرین پادشاه این سلسله بود.</p>	۹
۱/۵	<p>قلمرو ادبی</p> <p>آرایه های ابیات و عبارات را مشخص کنید. (تشبیه، تضمین، متناقض نما، مجاز، حس آمیزی، جناس تام)</p> <p>الف) گوش ترحمی کو کز ما نظر نپوشید</p> <p>ب) سپهبد پرستنده را گفت گرم</p> <p>ج) آه چه آرام و پر غرور گذر داشت</p> <p>د) عشق شوری در نهاد ما نهاد</p> <p>ه) سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی</p> <p>و) چه خوش گفت فردوسی پاکزاد</p> <p>"میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است"</p>	۱۰
۱/۲۵	<p>آرایه های بیت های زیر را بنویسید.</p> <p>ز رخسارش فرو می ریخت اشکی</p> <p>ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت</p> <p>بنای زندگی بر آب می دید</p> <p>دو چندان می شکفت و برگ میکرد</p>	۱۱
۰/۷۵	<p>جاهای خالی را پر کنید.</p> <p>ابوالفضل بیهقی: ، - بهارستان: ، - اسرارالتوحید:</p>	۱۲
۰/۵	<p>قسمت های زیر کنایه از چیست؟</p> <p>الف) پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست</p> <p>ب) عاقبت از خامی خود سوخته</p> <p>آن آشکار صفت پنهانم آرزوست</p> <p>رهروی کبک نیاموخته</p>	۱۳
۱	<p>شعر حفظ.</p> <p>الف) کرد فرامش ره و رفتار خویش</p> <p>ب)</p> <p>کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست</p>	۱۴
۵	<p>قلمرو فکری</p> <p>ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان بنویسید.</p> <p>الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست</p> <p>ب) دمار از جان این غولان کشم سخت</p> <p>ج) حاجت گه جمله جهان اوست</p> <p>د) زین همرهان سست عناصر دلم گرفت</p> <p>ه) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد</p> <p>و) گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشتند.</p> <p>ز) امیر از آن جهان آمده به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.</p> <p>چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست</p> <p>بسوزم خانمان هاشان به شمشیر</p> <p>محراب زمین و آسمان اوست</p> <p>شیر خدا و رستم دستانم آرزوست</p> <p>گمان مبر که مرا درد این جهان باشد</p>	۱۵
۰/۷۵	<p>مفهوم بیت زیر را بنویسید.</p> <p>- یقین مرد را بیننده کرد</p> <p>شو تکیه بر آفریننده شد</p>	۱۶
۰/۲۵	<p>منظور از بیت زیر چیست؟</p> <p>- حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو</p> <p>میفکن به روز جزا کار خود را</p>	۱۷

۰/۵	۱۸	حمیدی شیرازی، در بیت زیر، چه کسی را توصیف کرده است؟ - چو آتش در سپاه دشمن افتاد ز آتش هم کمی سوزنده تر شد
۰/۵	۱۹	منظور از «مردمی که به خانه های تاریک و بی دریچه عادت کرده اند» چیست؟
۰/۵	۲۰	بیت زیر کدام ویژگی مجنون را توصیف می کند؟ - کز عشق به غایتی رسانم کاو ماند اگر چه من نمانم
۰/۵	۲۱	عبارت زیر به کدام آیه تلمیح دارد؟ - آدم به زیر لب آهسته می گفت: «اگر شما مرا نمی شناسید، من شما را میشناسم، باشید تا من سر از این خواب خوش بردارم، اسامی شما را یک به یک برشمارم.»
۲۰		جمع بارم